

## ارتجاع در کفرانس رباط

امپریالیسم جهانی و دست نشاندهانش از چندین سال پیش میگویندند دول مرتجع کشورهای اسلامی را بدوریکدیگر کرد آورند، میان این دولتها "بیانی اسلامی" بوجود آوردند و بدین وسیله در انجام نقشه های نو استعماری خود هماهنگی جدیدی بیافرینند. سرو صدای این توطئه پس از مسافرت محمد رضا شاه به بحرستان سعودی و مواضعه خائنانهاش با ملک فیصل برخاست. وی این توطئه خائنه بعلمت تضاری که در محافل امپریالیستی بخصوص بر سر خلیج فارس موجود بود، عملی نکردید.

بدیهی است که انگیزه امپریالیستها از این اقدام دلسوزی برای اسلام نبود. آنها بدین طریق میخواستند با استثمار بیشتر از پانصد میلیون خلقهای کشورهای که با صاعقه جلا دانی ملکه ملک فیصل و محمد رضا شاه اسیر گشته اند دوام بیشتری بخشند و بویژه نهضت انقلابی خلقهای عرب را درهم شکنند. همین نیت سید آنها را بر آن داشت که با سو استفاده از خشم و هیجانی که بنسبیت حریق مسجد الاقصی بوجود آمده بود کفرانس عالی سران اسلامی را فراخوانند. جالب توجه است که این بار نیز مساله فراخواندن کفرانس از جانب دولت مرتجع عربستان سعودی مطرح گردید و این خود ارتباط نقشه جدید را با توطئه ورشکسته قدیم که از جانب محمد رضا شاه و ملک فیصل طرح شده بود عیان میسازد.

اکثریت رهبران کشورهای اسلامی عناصری هستند که رابطه ای با نهضت خلقها ندارند و وابستگیشان با امپریالیسم جهانی و درندگی و دشمنیشان کفر از دولت مرتجع اسرائیل نیست (بویژه اندونزی، مالزی، ایران، ۰۰۰). بسیاری از این دولتها صمیمانه ترین روابط سیاسی و اقتصادی با دولت مرتجع اسرائیل دارند (بویژه ترکیه، ایران، نیجریه و سنگال ۰۰۰). مثلا دولت شاه بقرار اطلاعات موثقی که بدست آمده برای اسرائیل حث نظامی هم میفرستد. با وجود این چه کسی میتواند کوچک ترین صداقی در این رهبران سراغ کند؟ این رهبران "بد خاطر بدور یکدیگر کرد نیامدند تا حمایت خود را از مردم سرزمین فلسطین اعلام کنند، هدف آنها فقط این بود که با آتش جنگ توده ای خلق فلسطین آب بپاشند و تعیین سرنوشت خلق فلسطین را مجرداً به سازمان ملل متحد، با امپریالیسم امریکا و به سوسیال امپریالیسم شوروی که گویا در قبال حفظ صلح بین المللی مسئولیت خاصی برعهده دارند" بیسازند. شاه در گفتار خود در آخرین جلسه کفرانس صاف و پوست کنده بیان داشت: "اعتقاد من اینست که کوشش در چهارچوب سازمان ملل متحد برای حل این مساله از طریق مسالمت آمیز دنیا را با ما همراه خواهد کرد. من از مصمم قلب دعا میکنم که هدف عالی ما با همکاری سازمان ملل متحد در محیط صلح تحقق یابد. من معتقدم که باید از همه دولتها بخصوص چهار دولت بزرگ که برای حل مساله کوشش میکنند بخواهیم که بجاگویند در اجرای قطعنامه نوامبر ۱۹۴۷ چه اقدامی کرده اند. (اطلاعات ۵/۷/۴۸) - ۰

سرمقاله نویسنده اطلاعات (۳/۷/۴۸) با رضایت کامل مژدگر شد که کفرانس حثت خود را در قبال مسائل مورد بحث معظف کرده و نظریات و پیشنهادهای افراطی تن در نداده است. سخنگوی وزارت امور خارجه ایران نیز خاطر نشان کرد که دولت شاهنشاهی توصیه های سران کشورهای اسلامی را کفایت قطعنامه های مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد مطابقت داده است و دولت شاهنشاهی بانی یا پشتیبان آن قطعنامه ها بوده است تاخیر میکند. و البته این نظریات تنها بقیه در ص ۳۰

بمسبیت پنجاه و دو سالگی انقلاب اکبر

## چه بود و چه شد

نوسعه نیروهای تولید، بسوی پیشرفت تکامل روان گردید. طرف مدت کوتاهی از یک کشور پهناور عقب افتاده کشاورزی سوسیالیستی با اقتصادی شکوفان و نیروی مادی و فرهنگی عظیم پدید آمد. کشور اتحاد شوروی به دژ نیرومند انقلاب بدل شد. پرولتاریا و زحمتکشان جهان بدرستی تحقق آمال و آرمانهای خود را در جامعه شوروی می یافتند و از دل و جهان آنرا پاسداری میکردند.

با پیروزی ارتش دلاور سرخ بر اهریمن فاشیسم عظمت و اقتدار اتحاد شوروی به اوج خود رسید. کشور شوراهای آنچنان محبوبیت، آنچنان احترام و اعتباری در نزد توده های مردم سراسر جهان یافت که در تاریخ سابقه نداشت. اقتدار شوروی تنها در نیروی مادی آن نبود، بیشتر در قدرت معنوی آن بود، در این بود که پرولتاریا و توده های رنجبر مانند کوه های عظیمی در پشت آن ایستاده بودند. اما...

همگه استالین بزرگ دیده از جهان فرو بست، دشمنان سوسیالیسم که سالها خود را در صفوف حزب کمونیست اتحاد شوروی پنهان ساخته بودند، با خدعه و نیرنگ قدرت را در حزب و دولت قبضه کردند و راه خیانت به انقلاب اکبر، خیانت به سوسیالیسم، خیانت به خلق های شوروی و جهان را در پیش گرفتند. عظمت خیانتی که این خیانتکاران مرتکب شدند به دشواری در تصور میگذرد. اینان گذشته تابناک و درخشان کشور شوراهای، مهد سوسیالیسم را با ساجت و بی پرواگی کم نظیری سیاه کردند تا با فراغت بال سوسیالیسم را بر سر انداخته و به احیای تولید سرمایه داری بپردازند، زیرساخت روئای سوسیالیستی را در هم ریختند تا بجای آن سیستم اقتصاد و آموزش و فرهنگ بورژوازی را مستقر گردانند.

آنجکه که بنام "سیستم نوین اقتصادی" بقیه در ص ۳۰

## کارها و توده ها

"توده ها بطور کلی در همه جا از سه قسمت تشکیل میشوند: بخش نسبتاً فعال، بخش میانه رو و بخش نسبتاً عقب مانده. بدین جهت رهبران باید با مهارت عناصر قلیل فعال را بگرد رهنبری متحد گردانند و با تکیه بآنها سطح آگاهی سیاسی عناصر میانه رو را بالا ببرد و عناصر عقب مانده را بسوی خود جلب نمایند" (مائوسه دین)

## در پیرامون مشاجرات بخش دولتی و بخش خصوصی

گذاری کردن است در دست خود می گیرند تا آنها را - نه بسود تمام خلق - بلکه بسود طبقات غارتگر و ارتجاعی بکسار اندازند و هر لحظه که ضافع طبقات مذکور ایجاب کند آن رشته های اقتصادی را بعنوان و بیبانه های گوناگون از صورت دولتی بصورت خصوصی در می آورند یعنی در اختیار سرمایه داران خصوصی می گذارند. در این دو مرحله دولتها بسود و شکل عمل میکنند ولی معنای عمل آنها در هر دو مرحله یکی است: خدمت سرمایه داران خصوصی.

پس از جنگ بعضی از دول اروپای غربی مانند انگلستان و فرانسه برای آنکه برخی از صنایع کاسد را زیر بار ویر خود بگیرند و بآنها با خون ملت رونق بخشند آنها را با اصطلاح "ملی کردند" یعنی در دست خود گرفتند و سپس وضعی که منابع مذکور نیرو گرفت و سود سرشار بسیار آورد آنها را دوباره سرمایه داران انحصاری برگردانند و این امر هنوز هم جاری است.

روزیونیست های اروپا که در معجزات "ملی شدن" صنایع در روزگار دولت امپریالیستی داد سخن میدهند طبقه کارگر بقیه در ص ۳۰

"تاریخ اکنون در برابر ما نزدیکترین وظیفه ای را قرار داده است که از تمام نزدیکترین و غنائف پرولتاریای هر کشی پیروی دیگری بمراتب انقلابی تر است. انجام این وظیفه یعنی انهدام تکیه گاه ارتجاع ۰۰۰، پرولتاریا روس را پیشاهنگ پرولتاریا انقلابی بین المللی خواهد نمود" (لنین: چه باید کرد). طبقه کارگر روسیه در زیر رهبری لنین بزرگ و استالین این وظیفه را با سر بلندی و افتخار به انجام رسانید و بحق خود را در مقام "پیشاهنگ پرولتاریای انقلابی بین المللی" قرار داد.

پرولتاریای قهرمان روسیه با انجام انقلاب کبیر اکبر بسوی پرولتاریای جهان و به کتبه زحمتکشان نشان داد که چگونه و از چه راهی میتوان طبقات ستمگرو استثمارگر را از اریکسه قدرت بیزیر کشید و با در دست گرفتن قدرت خود را از قید استثمار و اسارت و ستم طبقاتی رهائی بخشید. انقلاب اکبر در تاریخ جهانی جهش عظیمی است از دنیای کهنه بدنیای نو. از دنیایی که در آن طبقه کارگر "هیج" است بدنیایی که در آن "همه چیز خواهد بود، دنیایی که در آن کار و شایستگی معیار ارزش انسانی است. دنیایی که در آن زحمت کشان را بیم فردا و جوانان را تشویش آینده نیست. بیهوده نیست که زحمتکشان جهان با شور و اشتیاق فراوانی از انقلاب اکبر استقبال کردند و پشتیبانی از مهد سوسیالیسم را در برابر سروهای اهریمنی سیاه و وظیفه خویش شمردند: بیهوده نیست که از آن پس طبقه کارگر و رنجبران جهان راه انقلاب اکبر را در پیش گرفتند و در پی پیشاهنگ خوش روان شدند. رفیق استالین وقتی میگفت: من خیال میکنم که ما هم وظیفه خود را بشابه گردان خیرینی پرولتاریا انجام داده ایم عمیقاً حق داشت. پرولتاریا شوروی با انجام انقلاب اکبر، بسا ساختمان سوسیالیسم و با پیروزی برغول فاشیسم وظیفه خود را بشابه "پیشاهنگ پرولتاریای انقلابی بین المللی" بسا سر بلندی و افتخار انجام داده بود.

پس از انقلاب کبیر اکبر طبقه کارگر شوروی در زیر رهبری لنین و سپس استالین راه ساختمان دنیای نو را ادامه داد و جامعه ای نو بنا نهاد که در آن وسایل تولید در اختیار طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان قرار گرفت، مناسبات کارگرو کارفرما و ارباب و رعیت نابود گردید، آموزش و فرهنگ در اختیار توده های زحمتکش درآمد، موانع رشد تولید از میان برداشته شد و جامعه موزون و با آهنگی سریع بسوی بسط و

روزیونیستهای اروپائی، ملی شدن برخی از بنگاههای صنعتی بدست دولتهای امپریالیستی را راه مسالمت آمیز بگذارد به سوسیالیسم می شمارند و روزیونیست های ایرانی توجیه بخش دولتی صنایع بدست دولتهای رژیم کودتا را راه رشد غیر سرمایه داری می پندارند. بعقیده روزیونیست های ایرانی وضعی که دولت یک، یا چند بنگاه صنعتی خود و بسا رشته ای از فعالیتهای خود را به بخش خصوصی وامیگذارد "فاجعه" بزرگی روی داده است، و وضعی که دولت به قبضه کردن این یا آن رشته از فعالیت اقتصادی دست میزند در جهت مطالبات و ضافع خلق قدم برداشته است.

این توهما و روزیونیستی از آنجا سرچشمه میگیرد که روزیونیستها تعلق طبقاتی دولت را از یاد میبرند. آموزش مارکسیسم - لنینیسم را پشت گوش می اندازند که دولت در همه حال ضرورتاً ماشین فشار طبقه و یا طبقات معینی است. ضرورتاً خدمتگزار طبقه و یا طبقات معینی است. دولتهائی نظیر دولت ایران رشته هائی از اقتصاد را که ایجاد و بسا نگهداری آنها پیوسته و یا در دوران معین نیازمند سرمایه -

# ناکتیک جدید

هر قدر چهره کریه و نامیوس رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم از زیر نقاب سوسیالیسم بیشتر عیان میگردد عرصه برمد افعمین اتحاد شوروی تنگ و تنگتر میشود .

زمانی بود که رویزیونیست های حزب توده ایران دفاع بیچون و چرا از اتحاد شوروی و خط مشی ضد انقلابی آنرا به طرفداران خود توصیه میکردند . آنها دست این عناصر را در حمله به حزب توده ایران در سراسر زندگی آن بازگذاشته بودند بشرط آنکه شوروی و زمامداران رویزیونیست آن از انتقاده تا چه رسد به حمله و هجوم در امان مانند آنها بخوبی میدانستند که تا هنگامی که رویزیونیست های شوروی قادرند توده های کشور ما را با نقاب سوسیالیسم و با سوء استفاده از گذشته پرافتخار کشور شوراها بفریند رویزیونیست های ایران همچنان برخر مراد سوار خواهند بود و از دشنام و ناسزای عناصری چند تزلزلی در ارگان قدرت آنها روی نخواهد داد .

برای اجرای رهنمود رویزیونیست ها کسانی این حکم را به پیش کشیدند که وظیفه مارکسیست - لنینیست ها گویا اینست که فقط بکار انقلاب ایران بپردازند و خود را از اختلاف نظری که در جنبش کمونیستی جهانی بر سر مسائل اساسی مارکسیسم لنینیسم بروز کرده بر کار دارند . این حکم اگرچه دیری نپائید ولی بعلمت ظاهر فریبنده آن تا مدتی در اذهان باقی ماند و تاثیر خود را برجای گذاشت .

اما مظاهر رسوا کننده سیاست رویزیونیست های شوروی که بر پایه همکاری با امپریالیسم و پشتیبانی از ارتجاع جهانی و مقابله با خلق های انقلابی تدوین شده - مظاهری مانند دعوت اشرف پهلوی به اتحاد شوروی بعنوان نماینده زنان ایران ، بیانات خلاق دیلمات شوروی در تجلیل از شاه ، گذاردن تاج گل بر مقبره رضا خان از طرف فلان نماینده شوروی و غیره - نمیتوانست اینجا و آنجا بروز نکند و خشم و نفرت نیروهای انقلابی را بر نیانگیزد . رویزیونیست های ایران با تمام حسن نیت و وفاداری بی چون و چرای خود نسبت به زمامداران شوروی و خط مشی و سیاست آنها ، از دفاع از این اعمال در مانده اند . این اعمال در واقع با هیچ سفسطای تا چه رسد به استدلالی قابل توجه نبود .

در برابر این واقعیات نفرت انگیز آنها تدبیر تازه ای اندیشیدند : از یکسو متذکر شدند که در دنیای بفرنج و پراشوب امروز هیچکس مدعی نیست که میتوان سیاستی را میرا از خطا و اشتباه به پیش برد و بدین ترتیب با تأکید احتمال بروز خطا و اشتباه اقدامات مذکور را به حساب خطاهائی احتمالی گذارند که در زمینه یک سیاست عمومی صحیح بوقوع پیوسته است اما از سوی دیگر تأکید کردند که این اقدامات ، مظاهر محلی ( ناکتیک های ) یک سیاست عمومی ( استراتژی ) استراتژی است که گویا برای نیل به هدف استراتژیک ضرورند . بنظر آنها آنچه باید ملاک ارزیابی واقع شود اقدامات تاکتیکی نیست بلکه سیاست عمومی است و اگر بغرض در این یا آن ناکتیک نقصی مشاهده گردد میتوان از آن گذشت چون سیاست عمومی ، که بیزعم آنها هدفش نیل به سوسیالیسم در مقیاس جهانی است در مجموع درست است . با این تدبیر رویزیونیست های ایران افراد را به صحت سیاست عمومی شوروی دلخوش میداشتند و در دام رویزیونیسم و اتحاد شوروی نگاه میداشتند .

اما بتدریج این افسون نیز کارگر نیافتاد . اشتباهات و خطاهای اتحاد شوروی از شماره قزون گشت ، به صحنه ایران محدود نگردید بلکه دامنه آن به سراسر کشورهای جهان گشوده شد . امروز هر بیننده ای میتواند سیاست اتحاد شوروی در قبال شاه و طبقات حاکم ایران جنبه محلی نداشته استثنائی هم نیست . همین سیاست کمک و پشتیبانی نسبت به سوهارتسو در اندونزی ، مویسوتو در کنگو ، گاندی و حزب کنگره در هند ، سرلشکران کودتایچری در یونان و .... اعمال میشود ، هر بیننده ای

می بیند که چگونه اتحاد شوروی با طرح " سیستم امنیت جمعی در آسیا " که هدفش محاصره جمهوری توده ای چین است به حفظ و حراست حکومت های "حکومت ایران ، ناپلند ، مالزی ، اندونزی و .... بر می خیزد ؛ همه تجا و ز ارتش رویزیونیست ها را به چکسلواکی و ایجاد حکومت دست نشانده ای که منویات آزمندانه ، استیلاجویانه آنها را نامیس کند می بیند ؛ روشن است که " شوروی های " استقلال محدود " ، " حاکمیت محدود " ، " دیکتاتوری بین المللی پرولتاریا " بخاطر توجیه تجاوز و حفظ سلطه زمامداران شوروی بر کشورهای دیگر است . اینها هیچکدام در انطباق با آن سیاست عمومی که رویزیونیست های ایرانی روی آن انگشت می گذارند نیست . برعکس ، اینها همه تراوش آن سیاست ارتجاعی و ضد انقلابی و سوسیال - امپریالیستی است که رویزیونیسم شوروی در صحنه جهان بازی میکند . اکنون معلوم میشود که مارکسیست - لنینیست ها در مبارزه با رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی تا چه اندازه محق بوده و هستند و تا چه حد گفته های آنها در انطباق با واقعیت شوروی است .

اینک رویزیونیست های ایرانی در میبایند که مبارزه ایدئولوژیک و سیاسی با سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان ، بجنگ واقعیات و حقایق رفتن است و جز آنکه بیشتر آنها را افشا کند نتیجه دیگری بر آن تصور نیست . اینست که بسیار دیگر ناکتیک مبارزه خود را تغییر میدهند . اکنون از وجوه مشترک خود با سازمان توفان سخن بمیان میآورند ، از این موهوله صحبت میکنند که باید مبارزه ایدئولوژیک را کنار گذاشت و در مبارزه علیه رژیم شاه متحد شد ؛ آنها دست پروردگان خود را بمیان هواداران مارکسیسم - لنینیسم گسیل میدارند و موهبانه میکشند در ارگان اندیشه های اینان خللی وارد آورند و وفاداری آنان را نسبت به اندیشه مائوتسه دون ، به جمهوری توده ای چین ، مرکز انقلاب جهانی دستخوش تزلزل و تردید سازند .

آنچه که مربوط به اتحاد است نظر سازمان توفان بروشنی بیان شده است . ما بر آنیم که اتحاد قوت است ، بد و ن اتحاد کار انقلاب هرگز به سرانجامی نخواهد رسید . اتحاد نه تنها برای درست گرفتن قدرت بلکه برای حفظ و استحکام آن نیز ضروری است . اما اتحاد برای ما یک مفهوم انتزاعی نیست بلکه گفتگو بر سر اتحاد در شرایط مشخص ، بخاطر هدف مشخص و متحدین مشخص است . اتحادی که ما در پی آنیم اتحادی است انقلابی و در مرحله کونی اتحادی است بخاطر مبارزه انقلابی با رژیم کونی و در رأس آن شاه بمنظور سرنگون ساختن آن . چنین اتحادی فقط با نیروهای انقلابی مطرح است ، نیروهائی که نیل به این هدف را وجهه همت خود قرار داده اند .

رویزیونیست های ایران که کمک های اقتصادی و نظامی اتحاد شوروی را بر رژیم شاه که چیزی جز تقویت این رژیم نیست ، میسایند و بر آنند که با دست همین رژیم از راه توسعه نفوذ شوروی میتوان گویا امپریالیسم و ارتجاع را از صحنه کشور براندازد در واقع در حفظ و نگهبانی رژیم شاه میکوشند . انتقادات آنها از برخی جوانب نظام کشور ما بخاطر آنست که توده های مردم را بفریند و آنها را به سازش با رژیم بکشاند . اتحاد با این گروه سازشکار جز بزیان انقلاب و بزیان خلق ایران نیست . نمیتوان با دوستان و نگهبانان دشمن اتحاد بست و سپریا چنین متحدینی بجنگ با دشمن رفت . ما یقین داریم که مبارزه نهانی رویزیونیست هائیز علیه سازمان ما بجائی نخواهد رسید . تا زمانیکه حقایق مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون راهنمای ما است موفقیت و کامیابی ما حتمی است .

## جنبش دانشجویی

" جنبش دانشجویان بخشی از مجموعه جنبش خلق است . اعتلا جنبش دانشجویان مسلماً به اعتلا جنبش تمام خلق خواهد انجامید . "

مائوتسه دون

... کفرانس رباط بقیه از ص ۳ دیکری مانسند اندونزی و مالزی در کراست . در برخی کشورهای دیگر این بخش نیز جنگ توده ای تدارک میکرد و وجود حکومت های دست نشانده این کشورها را بقنا نزدیک میسازد . تشکیل " کفرانس عالی سران اسلامی " نیز برای دفاع از خلق فلسطین نیست ، بلکه ترس دیگری که در جان این حکومت هاست انگیزه آنست . اگر قصد کمک بخلق فلسطین در کار بود بدون تأخیر و بدون تشکیل کفرانس فقط پیوسته پشتیبانی کامل سیاسی و نظامی از جنگاوران فلسطین همت گام میسخت . با سرعفات نماینده الفتح در مصاحبه مطبوعاتی تکرار کرد : " من با سلحه شما بیشتر نیاز دارم تا بحرف شما ... " در حالیکه این کفرانس نشان داد که سران مرتجع دولتهای اسلامی نه تنها در فکر سلحه دادن نیستند بلکه اگر حرفی هم میزنند ، حرفی در مخالفت جنگ توده ای خلق فلسطین است ، حرفی است بدان معنی که خلق فلسطین نباید با انکا ، با سلحه سرزنش خویش را در دست گیرد بلکه باید راه " مسالمت آمیز " برگزیند ، سلحه را زمین بگذارد و فقط بگفتگوهای داخل سازمان ملل دل ببندد ، بامید شفقت امپریالیستها و یاهو سرانیهای سوسیال - امپریالیستهای شوروی بنشینند . ولی هیچیک از این نیرنگها نمیتواند خشم خلقهای این کشورها را فرو نشاند و غرش گلوله های جنگاوران فلسطین ، اندونزی ، مالزی را خاموش سازد . برای در هم شکستن مقاومت خلقهای فلسطین ، اندونزی ، مالزی ... تاکنون کوششها و نیرنگهای نظامی و سیاسی فراوانی بکار رفته است . ولی تجربه نشان داد که همانطور که نظیر این کوششها و نیرنگها تاکنون نتوانسته است مقاومت خلق ویتنام را درهم شکند ، مقاومت خلقهای شورهای مذکور را نیز درهم نخواهد شکست .

## دو اثر ضد رویزیونیستی

مطالعه این دو اثر از نشریات توفان :

- ۱ - اعلامیه و برنامه کونیست های بلشویک روس .
  - ۲ - رویزیونیسم در تئوری و عمل .
- شما را در مبارزه با رویزیونیسم ( در مظاهر جهانی و در مظاهر ایرانی آن ) مجهز میسازد . آنها را از روزنامه توفان بخواید .

بهای هر یک معادل ۴ ریال

کشور ایدئال بقیه از ص ۴ امپیران و اقتصاد وابسته با امپریالیسم ، اقتصاد غارت زده .

میزان بهره وام های امپریالیستی نیز از حد تصور بیرون است . روزنامه آیندگان چندی پیش نوشته بود که گامی از آن بهره وام در عمل بمتراب بیش از رقی است که در موافقت نامه ها ذکر میشود و یا در مصاحبه های مطبوعاتی اعلام میگردد و در نتیجه رقم بهره در بسیاری موارد از ۱۳ درصد تجاوز میکند ، ضمناً آنچنان حیلله های بانکی بکار برد میشود که گاه دولت ایران بابت یکصد میلیون تومان وام در واقع بیش از ۱۶۰ میلیون تومان میپردازد !

صرف وامها رانیز امپریالیستها بر حسب مصالح غارتگرانه خودشان تعیین میکنند و سازمانهای مالی و صنعتی امپریالیستی نقشه های پنج ساله ایران را بهمین منظور مورد بررسی و قضا قرار میدهند .

بیهوده نیست که یکی از امپریالیستهای بلژیکی در مصاحبه با روزنامه آیندگان گفته بود : ایران برای کشورها و سازمانها مالی ( امپریالیستی ) جهان کشور ایدئال است . درست نظیر بعضی از کشورهای امریکای جنوبی ، مثلاً برزیل .

تردیدی نیست که امپریالیستها و خادمان آنها از این " کشور ایدئال " خویش ، از این بهشت جنایتکاران برضا و رغبت دست نخواهند کشید بلکه بزور سلحه از اسارت ایران دفاع خواهند کرد . هیچ راه مسالمت آمیزی برای آزادی از رژیم محمد رضا شاهی وجود ندارد . فقط انقلاب قهرآمیز تحت رهبری طبقه کارگر میتواند میهن ما را به " کشور ایدئال " خلق صدل گرداند .

# گسترش و پیروزی انقلاب وابسته بوجود حزب انقلابی پرولتری است

چه بود و چه شد بقیه از ص ۱ هم اکنون در اتحاد شوروی تحقق می‌پذیرد چیزی جز سیستم اقتصادی سرمایه داری نیست. در این سیستم معیار ارزش فعالیت هر مؤسسه اقتصادی سودی است که این مؤسسه تحصیل میکند. هر مؤسسه اقتصادی باید بکوشد بهر وسیله و طریقه ای که خود صلاح میدانند هراندازه بیشتر سود بدست آورد. سود و طبیعتاً سود حداکثر نیروی محرکه و عامل رشد و تکامل اقتصاد شوروی است.

"سیستم نوین" با نقیض امتیازات مهم و متعدد به مدیران مؤسسات اقتصادی، آنها را به مالکان نام‌الختیار این مؤسسات مبدل می‌سازد که میتوانند آزادانه و رأساً در تمام مسائل مربوط به تولید، امور مالی و کارکنان آن مؤسسه تصمیم بگیرند. آنها میتوانند "فی الضل" از مؤسسه خود هر آنچه را که "زائد" تشخیص میدهند بفرستند. هر آنچه را که "در حال حاضر مورد احتیاج مؤسسه نیست" به اجاره واگذارند، در کنار انجام نقشه‌سازشات خصوصی بپذیرند و در صورتیکه نیاز اقتد بخش تازه ای با سرمایه خود به مؤسسه بیفزایند. تعیین تعداد کارگران و کارمندان هر مؤسسه با مدیر آنست. مدیران مؤسسات رأساً دستمزد کارگران و کارمندان را تعیین میکنند، تغییر میدهند، کارگران تازه ای بکار میکنند، کارگران را جریمه و اخراج میکنند و غیره. بدین ترتیب "سیستم نوین" از مؤسسه اقتصادی سوسیالیستی یک مؤسسه سرمایه داری تمام عیار می‌سازد با تمام نتایج که بر آن مترتب میگردد. هرج و مرج تولید، افزایش قیمتها، بیگاری، استثمار، قشریندی طبقاتی، احتکار، کمبود شدید اجناس مصرفی، بازار سیاه و... پدیده هائی است که امروز در اتحاد شوروی به چشم می‌خورند اقتصاد خصوصی بویژه در کشاورزی از راه افزایش قطعه زمین دهقانان کلهخوژی و یا تعداد دام آنها تشویق میشوند قطعه زمین بعضی از افراد کلهخوژ باندازه ای است که آنها آرا به اجاره میدهند یا برای بهره برداری از آن نیروی کار اجیر میکنند. بدین ترتیب کولاک‌ها (بورژوازی ده) که کشاورزی اشتراکی به حیات آنها بخاصه طبقه اجتماعی خانم داده بود دوباره سر بلند مینمایند.

در برابر این وضع نابسامان عدم رضایت و مقاومت خلق‌های شوروی پیوسته فزونی می‌گیرد. دارودسته روزیونیست نیز دستگاه دولتی یعنی ارتش و پلیس را تقویت میکنند، سازمان امنیت و محاکم را توسعه میبخشد و با دست آنها مقاومت و مبارزه خلق شوروی را درهم میشکنند.

اینست در خطوط کلی شمه ای از آنچه که اکنون در کشور اتحاد شوروی میگردد.

بدیهی است کشوری که در داخل پول و جلب منفعت را در مقام فرماندهی مینشاند، کشوری که با شیوه های فاشیستی صدای اعتراض خلق خود را خاموش میکند، در خارج، سیاستی جز سیاست غارت و استثمار خلق‌ها و همکاری با نیروهای ضد انقلابی برای سرکوب خلق‌های انقلابی نمیتواند در پیش گیرد، نمیتواند برای حفظ منافع غارتگرانه خود بفرزاد علیه خلق‌های دیگر دست نزند یا علیه سوسیالیسم و کمونیسم بر نخیزد.

کشوری که روزی یار و غمخوار خلق‌ها بود و به آنها در مبارزه علیه دشمنان مدد میرسانید، کشوری که دشمن بی‌امان امپریالیسم و ارتجاع بود، اینک در صحنه جهان آشکارا و بی پروا با امپریالیسم بویژه با نیرومندترین آن برای سرکوب نیروهای انقلابی از در همکاری در می‌آید، ارتجاع سیاه را در قبال مبارزه خلق‌ها تقویت و پشتیبانی میکند.

کشوری که روزی استثمار و استعمار را از جامعه خود بر انداخته بود و علیه استعمار و استثمار در سراسر جهان نبرد میکرد، اکنون خود به غارت ثروت کشورهای دیگر و استثمار خلق‌های دیگر میردازد و پیوسته در پی آنست که در غارت و استثمار دیگران سهم بیشتری برای خود تحصیل کند.

... کفرانس رباط بقیه از ص ۱ از جانب دولت ایران بخاصه نماینده مرتجعترین عناصر شرکت کننده در کفرانس ابراز نمیشد. "قطعنامه کفرانس عالی سران اسلامی" نیز نشان میدهد که هدف اکثریت شرکت کنندگان در واقع خلع سلاح خلق فلسطین، سازش با امپریالیسم و اسرائیل بوده است. در سرمقاله لوموند (۲۷ سپتامبر ۱۹۶۹) چنین میخوانیم: "اعلامیه نهائی با کمال دقت از بکار بردن اصطلاح نه‌اجبه بعضی هامیخواستند بر اقدام اسرائیل در شروع محاصرات در وسال پیش‌اطلاق شود احتراز میجوید و از افشا" صیهونیسیم میرهیزد".

رهبران مرتجع تر شرکت کننده در کفرانس از آن جمله محمد رضاشاه (۰۰۰) باتمام قوا میکوشیدند که دستور مذاکرات بمسئله اورشلیم و حفظ اماکن مذهبی محدود گردد. گوئی که معضل فلسطین تنها بآن بستگی دارد که اماکن مذهبی مسلمانان در دست چه کسی قرار گیرد و چگونه از آتش سوزی در آنها جلوگیری شود، گوئی جنگ توده ای خلق فلسطین تنها بخاطر فتح مجرد بیت المقدس توسط سپاهیان ملک حسین است. و حال آنکه جنگ خلق فلسطین ابدا جنگی مذهبی و نژادی نیست، جنگی است ملی و طبقاتی. جنگ خلق فلسطین کلیه اهالی عرب فلسطین را اعم از مسلمان و مسیحی تجهیز میکند. در میان آن بخش از آنها که منشأ یهودی دارند پیشروترینشان، روز بروز قاطع تر، به پشتیبانی از این جنگ میزدازند و بمیدان مبارزه کشیده می شوند. امپریالیستها و صیهونیستها با تمام قوا میکوشند اینگونه جنوه دهند که مبارزات خلق فلسطین علیه اسرائیل ارتضاد بین اسلام و یهود ناشی میشود و حال آنکه رفتار دولت اسرائیل با فلسطینی های غیر مسلمان بهتر از رفتار با فلسطینی های مسلمان بوده است و بدین جهت مبارزه برای رهائی فلسطین وظیفه آنها نیز هست. با وجود این ملاحظه میشود که برخی از دولتهای عربی نیز باین تبلیغات امپریالیستها و صیهونیست هاتن در راه اندوخته و اسلاما میگویند. این امر امری غیر عادی نیست. در واقع آن دولتهای عربی که دست نشانده امپریالیسم اندوخته جز عنوان پان اسلامیس میتوانند ادعای شرکت در نهضت ضد امپریالیستی خلقهای عرب داشته باشند؟ برای آنها مسلماً که طرح مسئله ملی و طبقاتی و بدین ترتیب این طرح در واقع بمعنای نفی خود آنهاست. طرح مسئله ملی و طبقاتی و برسمیت شناختن جنگ خلق فلسطین بخاصه یک جنگ انقلابی و ضد امپریالیستی هم برای امپریالیست‌ها و دولت اسرائیل خطر دارد و هم برای رژیم‌های فئودال و بورژوازی عرب که وابسته با امپریالیسم امریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی هستند. رژیم‌های مذکور که قادر بر جلوگیری از نهضت خلق نیستند میکوشند آنرا منحرف ساخته بسوی دیگری یعنی بسوی اختلافات مذهبی سوق دهند.

کشورهای اسلامی یکی از بخش‌های وسیع منطقه قسطنطنیه را تشکیل میدهند. هم اکنون جنگ توده ای نه تنها در سرزمین عربی فلسطین بلکه در کشورهای مسلمان نشین بقیه در ص ۲

کشوری که در پایان جنگ دوم جهانی خلق‌های فاشیست زده ارتش آنرا با آغوش باز استقبال میکردند و بر تانک‌های آن گل می افشاندند، امروز آنرا با فریاد "بخانه ات برگرد!" پذیره میشوند. در آنروز ارتش قهرمان شوروی ارتش آزادی بخش بود که خلق‌ها را از چنگال خون آشام فاشیسم رهائی میداد، امروز ارتش تجاوزی است که وظیفه اش سلب آزادی و استقلال و تامین استیلای سوسیال - امپریالیسم شوروی بر خلق‌های دیگر است.

کشوری که روزی بحق مورد نیایش و احترام همه مردم بوده گان بود امروز دیگر حتی در نزد نوکران بی چون و چرا کجوش نیز از حیثیت و اعتباری برخوردار نیست.

در یوز اتحاد شوروی در سایه مارکسیسم - لنینیسم تحت رهبری لنین و استالین بر فراز قله عظمت و احترام جا داشت، امروز روزیونیست‌ها آنرا تا سرحد یک کشور امپریالیستی تنزل داده و آماج خشم و نفرت خلق‌های جهان ساختنند. اما بیقین در پی امروز فردائی است، فردائی که خلق‌های شوروی و در پیشاپیش آنها پرولتاریا شوروی روزیونیسم و روزیونیست‌ها را سرنگون خواهد ساخت و جامعه شوروی را بار دیگر در شاهراه سوسیالیسم و کمونیسم خواهد انداخت

در برابریون مشاجرات... بقیه از ص ۱ و خلق کشور خود را می فریبند. روزیونیست‌های ایرانی نیز که ستایشگر بخش دولتی در روزگار رژیم محمد رضاشاهی اند بایفا همین نقش سوم مشغول اند.

برای نشان دادن اینکه بخش دولتی چگونه به بخش خصوصی و بخاصه طبقات حاکمه خدمت می کند نظری به چگونگی فعالیت صنایع بخش خصوصی کافی است. مثلا شرکت "ملی" گاز را در نظرمی گیریم. این شرکت در دست دولت است باین معنی که مالکیت گاز با دولت است و آنگاه شرکت مذکور توزیع گاز را به شرکتهای خصوصی واگذاشته یعنی صنایع عظیمی برای کسب سود بآنها داده است. در ایران شرکت "ملی" گاز وجود دارد ولی سرکار مردم در واقع ببا شرکتهای خصوصی است. اما آن سهمی از سود که بشرکت "ملی" گاز میرسد نیز برای مردم نیست بلکه در راه اجزا برنامه های نو استعماری، تامین غارتگری بوروکراتهای دولتی پرداخت مخارج دستگاه دولتی بکار میروند و خلق ایران را در آن سهمی نیست.

هم اکنون دولت در تدارک نصب دومین کارخانه زوب آهن است که در اهواز خواهد بود ولی دولت فقط "زوب سنت آهن" را که مستلزم سرمایه بزرگ میباشد برعهده خواهد گرفت و مراحل بعدی را به بخش خصوصی می سپارد. در اینجا نیز دولت در درجه اول به بخش خصوصی خدمت میکند و سودی که به خود او عاید میشود در همان محلهائی بمصرف میرسد که در بالا بیان کردیم.

پس ایجاد هرگونه توهمی در باره "همه خلقی بودن" بخش دولتی ایران خیانتی است به خلق ایران. مشاجره ای که اکنون در کشور ما بر سر بخش دولتی و بخش خصوصی جریان دارد مشاجره ای است بین خود طبقات حاکمه، بین خود سرمایه داران بر سر چگونگی تقسیم غنایم. نه بخش دولتی برای توده های زحمتکش کار میکند و نه بخش خصوصی.

بعلاوه لازم بتوجه است که آن بخش خصوصی که در برابر بخش دولتی قد علم میکند بطور عمده از سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم تشکیل میشود. امروزه سرمایه های امپریالیستی نه فقط با سرمایه های دولتی بلکه با عده نسبتی زیادی از سرمایه های خصوصی آمیخته و در غارت خلق ایران مستقیماً سهیم شده اند. بانکی مانند بانک ایرانیان، شرکتهای مانند شرکت سهامی متل شیمیائی ایران و بسیاری از شرکتهای دام پروری، کارخانه هائی مانند کارخانه اتومبیل سازی و لامپ سازی و غیره و غیره که در شمار بخش خصوصی اند همگی آمیخته با سرمایه های امپریالیستی اند و هر بخشی از اقتصاد که بآنها واگذار شود به سرمایه ملی واگذار نشده بلکه به سرمایه وابسته به امپریالیسم واگذار شده است.

پس کسانی که این بخش خصوصی را "بخش ملی" جامیزند و واگذاری کار به این بخش خصوصی را "واگذاری کار ب مردم" جلوه میدهند فریب کارانی بیش نیستند.

واقصیت اینست که سرمایه داری ملی ایران از سرمایه داری وابسته با امپریالیسم (خواه در بخش دولتی و خواه در بخش خصوصی) ضربه میخورد و مانند توده های زحمتکش با امپریالیسم و سرمایه داری وابسته بآن در تضاد است.

تا وقتی که در کشور ما رژیم کودتا، رژیم وابسته با امپریالیسم وجود دارد هیچ تغییر اساسی در اقتصاد ایران بسود طبقات زحمتکش امکان پذیر نیست. سرمایه داری ملی ایران نیز تا سلطه امپریالیسم باقی است پیوسته در معرض زحمتکشی خواهد بود.

"تحول اقتصادی مستلزم رونای متناسب سیاسی است" - چنین است آموزش بزرگ لنین.

● عنوان جدید مکتوبات  
X GIOVANNA GRONDA  
24030 VILLA D'ADDA/ITALY

● حساب بانکی:  
X GIOVANNA GRONDA  
CONTO 12470/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO / ITALY

## رهائی خلق ایران در پیروزی جنگ توده ای است

## در باره خودتوفان

با آنگه منی روزنامه توفان و نقش وی بر خوانندگان گرامی روشن است بنظر میرسد که توضیح چند نکته در این مورد ضروری است:

نخست اینکه: نقش روزنامه توفان با نقش کابلهای دربی، تئوریک یکسان نیست و نمیتوان متوقع بود که در هر شماره توفان مسائل مجرد تئوریک مورد تشریح قرار گیرد. روزنامه توفان در درجه اول ارگان سیاسی سازمان ماست باین معنی که در درجه اول بتحلیل مسائل و جریانات مشخص روز می پردازد، مبارزات جاری را رهبری میکند، رهنمود میدهد، بسیج کننده و سازمان دهنده است. البته روزنامه توفان تحلیل ها و نتیجه گیریهای خود را بر اساس تئوری های انقلابی مارکسیسم-لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون متکی میسازد و بهنگام ضرورت بحث در پیرامون مسائل مجرد تئوریک نیز میپردازد. ولی روزنامه توفان هیچگاه بصورت ورفه ای از کتاب درسی تئوریک در نیاید. سازمان توفان میکوشد وظیفه خود را در اشاعه تئوری های انقلابی مارکسیسم-لنینیسم بطور عمده از طریق پختر آثار مارکس، انگلس، لنین، استالین و مائوتسه دون و نگارش و طبع رسالاتی در زمینه تئوری انجام دهد.

نکته دیگر اینکه: سازمان توفان سازمانی مارکسیستی-لنینیستی است که در مرحله کنونی در راه انقلاب دموکراتیک توده ای مبارزه میکند ولی هدی نهائیش انقلاب سوسیالیستی است، هوادار انقلاب جهانی است، انترناسیونالیست است، میدانند که پیروزی قطعی طبقه کارگر و خلق ایران جز با پیروزی انقلاب جهانی میسر نخواهد شد. دفاع از پرچم انقلاب جهانی، دفاع از دژ سوسیالیسم یعنی از جمهوری توده ای چین و جمهوری توده ای آلبانی، دفاع از نهضت های انقلابی منطقه توفان ها و خلق های سراسر جهان، مبارزه بی امان با دساتن ارتجاعی و جنایات بین المللی امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم و طبقه مقدس و اقتدار آمیز روزنامه توفان و در حکم دفاع از آرمان های انقلابی خلق ایران است. البته ایفا، این وظیفه همیشه و بویژه در لحظات بحرانی آسان نیست. محافل ارتجاعی و امپریالیستی پیوسته کوشیده و میکوشند که وظیفه انترناسیونالیستی حزب یکسان سازمان صبه کارگر را مابین خدمت بخلق خویش جلوه دهند. هدف محافل مذکور گسستن پیوند های نیرو بخش انترناسیونالیسم پرورش و منفرد ساختن هر انقلاب بمنظور سرکوب آن است. اما انقلابیون آگاه از جنرال نمی هراسند و بیدام عوام فریبی های ارتجاع و امپریالیسم نمی افتند. وظیفه آنهاست که همستکی بین المللی را دلیرانه بقیمت هرگونه فداکاری حفظ و تحکیم کنند.

نکته دیگر اینکه: روزنامه حزب یا سازمان طبقه کارگر باید پیوسته در جریان نظریات خوانندگان خود باشد و از آنها ساموز. ولی اگر نتواند نظریات مذکور را بر اساس تئوری های انقلابی تحلیل کند و یگانه راه حل درست هر مسئله را بیابد و بعبان توده ها ببرد و طبقه خود را انجام نداد و به دنباله روی دچار شده است. وظیفه روزنامه آن نیست که نوازشگر افکار و احساسات عمومی باشد و فقط آنچه را که بدون چون و چرا مورد قبول عموم خوانندگان است بنویسد. با صفرح - حکایت بر مزاج مستمع بگوید. وظیفه روزنامه ایفا، نقش پیش آهنگ است. روزنامه باید پیوسته بدون کمترین تنزل از حقایق مارکسیستی-لنینیستی دفاع کند، با این اطمینان که حقایق مذکور در اثر تجارب زندگی و مبارزه ایدئولوژیک و سیاسی دیر یا زود مورد قبول عموم خوانندگان قرار خواهد گرفت.

نکته دیگر اینکه: انعکاس مسائل ایران در روزنامه ما

# قیام دهقانان در هند

است، منبع تحریکات بر ضد جمهوری توده ای چین و سایر خلق های آسیا است. صدها میلیون نفر در این کشور در چنگال فقر جانسوز گرفتاراند. رهایی هندوستان سهم بزرگی در رهایی منطقه توفان ها خواهد بود.

دیر زمانی است که روزینویست های هند با تبلیغ راه مسالمت آمیز به هیئت حاکمه مرتجع هند و اسارتگران امپریالیست یاری میسرانند و بمنافع حیاتی خلق خیانت میورزند. ولی تاریخ هندوستان گواه روشنی بر این حقیقت مارکسیستی-لنینیستی است که "کسی که بجای ترغیب بردگان به قیام بر ضد برتری، به تسلی آنها بپردازد دستیار برده داران است" (لنین) و "در عصر امپریالیسم... طبقه کارگر و توده های زحمتکش فقط بزور تفنگ میتوانند بر طبقات مسلح بورژوازی پیروز گردند" (مائوتسه دون). ما برای رفقای حزب کمونیست هند (مارکسیست-لنینیست) و همه انقلابیون هند گامیابی های روز افزون آرزو مندیم.

## کشور ایدئال

تحمل وام یکی از شکل های صدور سرمایه مالی و یکی از شیوه های استیلای استعمار است. امپریالیست ها از یک سو از محل وامی که میدهند بهره کراف می ستانند و از سوی دیگر شرایط اقتصادی و سیاسی را هزانه بر کرده، وام گیرنده میگردانند. مثلاً بدهکار باید تمام یا بخشی از وام را بخرید کاد از کشور بستانکار اختصاص دهد و با قبول قیمت های کراف از این طریق نیز سود کلانی بوی برساند. وام های امپریالیستی عموماً پیش درآمد و زمینه ساز اضیازات اقتصادی و سیاسی برای مالک وام دهنده است. آنچه را که امپریالیست ها بینه دست میدهند با دست دیگر چند برابر می ستانند. آنها آب میدهند و کلاب میکینند.

در تاریخ استعمارزدگی کشور ما دوره پایان سلطنت قاجاریه از لحاظ اخذ وام های کمربشکن و اسارت آور امپریالیستی به رسوائی و فحش شهره شده است. ولی رژیم محمد رضاشاهی در این عرصه خیانت نیز از رژیم مظفرالذک شاهی در گذشته و ملت ایران در هیچ دوره ای از تاریخ خود چنین بارگرا و توان فرسائی از قرضه بردون نداشته است. مبلغ وامی که دولت ایران همه ساله از امپریالیست ها و نیز روزینویست ها - دریافت میدارد نه فقط کاسته نمیشود، نه فقط ثابت میماند بلکه سال بسال روافزشش میورد. کافیه است باین رقم شکست آور و ناسف انگیز توجه شود که مجموع وام هائی که دولت ایران در سال ۱۳۴۶ از امپریالیست ها دریافت داشته ۱۶ (شانزده) برابر وام های ۱۳۴۲ بود. است. در همین سال قرضه بودجه دولت ایران بتنهائسی به ۱۰ (ده) برابر قرضه بودجه ۱۳۴۲ بالغ گردیده است. بالتشبهه بخش عمده ای از هر قرضه ای که ایران

محمد رضا شاه از امپریالیست ها دریافت میدارد عیناً پسرای پرداخت اصل و فرع قرضه های قبلی از دست میورد. ارقام رسمی محاسبه بانک مرکزی ایران (اردیبهشت ۱۳۴۸) از چنین حقیقت وحشتناکی پرده برمیدارد:

ایران در دوره پنجمساله برنامه سوم اقتصادی (۱۳۴۲-۱۳۴۶) مجموعاً ۴۵ میلیارد ریال قرض گرفته و ۳۲ میلیارد ریال آن را عیناً برای اصل و فرع قرضه های پیشین پرداخته یعنی تقریباً فقط ۱۳ قرضه دریافتی را در طی برنامه سوم توانسته است خرج کند.

پیشینی میشود که در سال جاری مبلغ کل وام دریافتی ایران ۲۵ میلیارد ریال خواهد بود که ۱۲ میلیارد و بنا بربرخو از منابع ۱۹ میلیارد آن بپرداخت اصل و فرع وام های پیشین خواهد رسید و فقط چندین میلیارد ریال مورد استفسار قرار خواهد گرفت (خواندنیها ۳۱ خرداد). بقیه درص

در نوشته گذشته دسته ای از یارترین های هند در ولایت آندرا به واحد بزرگی از پلیس برخوردند و همگی شهید شدند. رهبر این دسته پانشاری کریشنامورتی با سرسندی به افسران پلیس گفت: "ما با کنتار ما خواهد توانست جنوبی نهضت انقلابی را بگیرد. هیچ نیروی در جهان نمیتواند انقلاب مسلح خلق را خاموش گرداند. رژیم استثمارگر و استثمارگونی محکوم به نابودی است".

کریشنامورتی از بنیان حزب کمونیست هند (مارکسیست-لنینیست) و عضو کمیسیون تشکیلات کل آن حزب و همچنین از سازماندهان و رهبران مبارزه مسلحانه ولایت آندرا را و چند ناحیه دیگر بود. پیگار مسلحانه ای که اکنون در ۱۹ ناحیه بنگاله، غریبی جریان دارد دنباله پیگار مسلحانه دهقانان ناکسالیاری است. پیاز مبارزه آشتی ناپذیری که در سال های اخیر میان روزینویست ها از یک سو و مارکسیست-لنینیست ها از سوی دیگر در گرفت عمده ای از مارکسیست ها - لنینیست ها و سایر انقلابیون رویه روستا نهاده به بیدار ساختن و بسیج دهقانان پرداختند و در آغاز سال ۱۹۶۲ قیام مسلحانه ناکسالیاری را رهبری کردند. این قیام سر آغاز دوران جدید مبارزات مردم هندوستان است، دوران مبارزات قهرآمیز بر ضد فئودالیسم و ارتجاع و امپریالیسم. این قیام پرتو امید در دل زحمتکشان هند افکند و دورنمای نوینی در برابر دیدگان آنها گشود. این قیام در اثر هجوم کین توزانسه دولت مرتجع هند چندی فرونشست ولی خاموش نشد و آرام آرام به نواحی دیگر از بنگاله غریبی سرایت کرد. نصر عمده قیام ناکسالیاری در آن بود که در آن زمان هنوز حزب مارکسیستی-لنینیستی طبقه کارگر در هندوستان وجود نداشت تا رهبری را محکم در دست گیرد و ارتجاع هندوستان از همدستی روزینویست ها در سرکوب قیام ناکسالیاری سود بسیار برنماید. ولی مبارزه درین مارکسیست ها - لنینیست ها سرانجام به نتیجه رسید و در ۲ آوریل ۱۹۶۹ (روز تولد آموزگار بزرگ پرولتاریا لنین) حزب کمونیست هند مسلح به مارکسیسم-لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون پایه گذاری شد و عمده توجه خویش را به قیام دهقانان معطوف داشت. این قیام دهقانان هند در ولایت بنگاله غریبی و نواحی دیگر در راهی که رفیق مائوتسه دون نشان داده است با استواری به پیش میرود.

کریشنامورتی و شش تن همراه او همگی از دهقانان فقیر بودند و پنج تن از آنها در حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) هند عضویت داشتند. کمیسیون تشکیلات کل حزب بمناسبت شهادت آنان اعلامیه ای خطاب به مردم هند صادر کرد تا روحیه انقلابی شهیدان را زنده نگهدارند و چنین گفت: "درد و رنج خود را به کینه نسبت بدشمن بدل کنیم و صریحاً بازم نیرومندتری بروی وارد سازیم تا آنکه امر انقلاب هند که رفیق پانشاری کریشنامورتی و شش رفیق دیگر در راه آن جان سپردند هرچه سریع تر به پیروزی بینجامد".

اهمیت انقلاب دهقانی در هندوستان پوشیده نیست. هندوستان شور بزرگی است با ۵۰۰ میلیون جمعیت. هندوستان یکی از مراکز سازش امپریالیسم امریکا و روزینویسم شوروی است، مظهر عقب ماندگی قرون وسطائی و مستعمراتی

مستفادان باندازه کافی نیست و این نظر از آنجا ناشی میشود که برای تحلیل جریانات عمیق جامعه ایران غالباً با کمبود اسناد روبرو هستیم. دیرگاهی است که مقامات دولتی ایران از انتشار اخبار و آمارها و مآخذی که منعکس کنند واقعیت باشد خودداری میورزند و اینک با دشواری های بسیی میتوان بر برخی از این منابع دست یافت. روزنامه توفان همیشه کوشیده و خواهد کوشید که بتحلیل مسائل جاری ایران جای یابسته ای داده شود و در این زمینه از عموم رفقای سازمانی و سایر خوانندگان متوقع همکاری و مساعدت است.